

علیرضا بهشتی خواه

## خوبی‌های انکارناشدنی

علیرضا بهشتی خواه فعال رسانه‌ای در یادداشتی به بررسی ابعاد مختلف سیل اخیر در منطقه خوزستان پرداخت.

علیرضا بهشتی خواه فعال رسانه‌ای - برخی خانه‌های خود را از دست داده‌اند، برخی زمین کشاورزی و برخی وسایل زندگی. اگرچه گرمای خوزستان در ماه رمضان نتوانسته است جریان امدادرسانی را قطع کند و ارسال بسته‌های غذایی و بهداشتی همچنان ادامه دارد، اما مشکلات مردم شکل دیگری به خود گرفته است. آب در بسیاری از مناطق پایین آمده و روستاها را ترک کرده اما ترک دیوارها نشان از آسیب جدی به بن منازل مسکونی روستایی دارد.

بیکاری؛ معضلی برای روستا

سیل آمد و رفت اما مردم و امدادگران هنوز درگیر مشکلات پس از آن هستند و ما برای به تصویر کشیدن این مشکلات سری به مناطق سیل‌زده خوزستان زدیم. اولین مقصد ما روستای آلبو عیدی‌نبی یک در بخش مرکزی شهرستان حمیدیه است. مسیر ما از دل ترکیبی از درختان زیبا و ماسه‌های بادی می‌گذرد. راه اگرچه آسفالت است اما از یک مسیر سنگلاخی چیزی کم ندارد و بخش‌هایی از آن به‌طور کامل تخریب شده است. در میانه راه، تعداد زیادی از کودکان و نوجوانان روستایی با تصور اینکه برای آنها هدایایی آورده‌ایم بی‌محابا وسط جاده می‌دوند تا ماشین را متوقف کنند و راننده که گویا به این رفتار عادت کرده با کمی بی‌رحمی از دل آن جمعیت، راهی باز می‌کند.

کمی جلوتر از ورودی روستا مقابل مسجد الزهرا جمعیتی در رفت و آمد هستند که بعداً مشخص می‌شود روستاییان میزبان یک گروه پزشکی از دانشگاه آزاد اسلامی قم هستند که از صبح زود برای رسیدگی به مردم به روستا آمده‌اند.

یک خانم دکتر جوان، زنان روستا را معاینه می‌کند و یک پیرمرد که گویا سرپرست تیم است مردان را. در کنار آنها چند دختر و پسر جوان سفیدپوش هستند که در کنار توده‌ای از داروها نشسته‌اند و داروخانه‌ای داخل مسجد راه انداخته‌اند.

یکی از اعضای شورا که به‌هیچ‌عنوان زیر بار مصاحبه نمی‌رود، می‌گوید صدها و هزاران مرتبه جلوی دوربین مسائل مان را گفته‌ایم اما خبری نشده و می‌گویند آن‌طور که باید به روستای آنها کمک نشده است. نابودی زمین‌های کشاورزی روستا و دغدغه معیشت، اصلی‌ترین مطالبه او و دیگر اهالی این روستا است.

وقتی از پزشک سرپرست تیم درمورد وضعیت بهداشتی و سلامتی مردم سوال کردیم، نکات قابل توجهی از سبک بد زندگی مردم گفت که مشکلات مشترکی برای اهالی به وجود آورده است و بیشتر از درمان، آگاهی‌بخشی را برای پیشگیری از بیماری موثر می‌داند. وی کمبود مصرف آب را در اهالی روستا یک معضل می‌داند که عوارض جسمی گوناگونی در مردم ایجاد کرده است.

منزل دهیار، مقصد دوم ما در این روستاست. صحبت‌های دهیار، جنبه‌های کامل‌تری از فضای پس از سیل روستا را آشکار می‌کند. او می‌گوید با وجود گذشت ۱۲ سال از تصویب طرح هادی روستا، هیچ‌گونه اقدامی برای بازسازی ساختمان‌ها صورت نگرفته است. دهیار هم

آسیب رسیدن به زمین‌های کشاورزی را مهم‌ترین مساله روستا می‌داند. زهکش‌ها، جوی‌های آب و جاده‌های کشاورزی آسیب دیده‌اند و ماسه‌هایی که همراه سیل آمده، بر آسیب‌دیدگی زمین‌های کشت افزوده است.

#### چادرنشینی در گرمای خردادماه

اگرچه بساط کولر و وسایل سرمایشی در خانه دهیار و سایر سکنه روستای آلبوعیدی نبی یک مهیاست، اما کمی آن طرف‌تر، روستای آلبوعیدی ۲ خالی از سکنه است و ساکنان کمی آن طرف‌تر در چادر زندگی می‌کنند. اگرچه قرار است تا چند روز آینده برای اهالی کانکس بیاورند اما تحمل گرمای خوزستان زیر چادر برای چند ساعت هم سخت است.

خانه‌های روستاییان به‌ظاهر سالم است اما پی آنها آسیب دیده و برخی ساختمان‌ها نشست کرده‌اند و به همین دلیل و البته دلایل دیگر، روستاییان حاضر نیستند به منازل خود بازگردند. عضو شورای روستا در این رابطه می‌گوید: ما طرح هادی نداریم و امکاناتی به ما داده نشده است. روستای ما در سطح پایینی قرار دارد که باعث می‌شود سیل گیر باشد. وی می‌گوید: ما هیچ چیز از دولت نمی‌خواهیم، ما مقاوم شده‌ایم، وام هم نمی‌خواهیم و نه هیچ چیز دیگر. او با اصرار عجیبی جلوی دوربین از دولتی‌ها می‌خواهد تنها بخشی از زمین‌های اینجا (محل چادرها) را که مربوط به منابع طبیعی است، برای ساخت‌وساز در اختیار روستاییان قرار بگیرد؛ پیشنهادی که حرف و حدیث‌های فراوانی در روستاهای اطراف به راه انداخته است. در این منطقه که چادرها برپاست، هم برق کشیده شده است و هم سرویس بهداشتی و حمام وجود دارد. آب نیز گویا آنقدر هست که برخی چادرنشین‌ها ماشین‌های خود را بشورند اما از وسایل سرمایشی خبری نیست، الا یکی.

یک چادر بزرگ مجهز به کولر برای زنان و کودکان برپا شده است. اهالی می‌گویند این کولر را یک خانم دکتر آورده است که بعداً مشخص می‌شود از سمت دانشگاه آزاد اسلامی بوده و آن چادر به‌نام و یاد حضرت علی‌اصغر(ع) ایجاد شده است تا مادران و نوزادان از گرما در امان باشند. در این بین دیدن یک نوزاد که به او دختر سیل می‌گویند نیز جالب است؛ دختری که در روز سیل به دنیا آمده و حالا در این گرمای خوزستان، کام روستاییان را شیرین کرده است. مساله‌ای که بین برخی سیل‌زدگان دیده می‌شود، مطرح کردن مشکلات دیرینه‌ای است که سیل در رخ نشان دادن آنها موثر بوده، نه در اصل وجودشان. به گفته امدادگران، با وجود تلاش‌های فراوان، مشکلات نیز بزرگ است اما حجم کمک‌ها آنقدرها بزرگ است که بزرگی بحران نیز نمی‌تواند آن را منکر شود. سلفی گرفتن برخی مسئولان با سیل‌زدگان هم از جمله مواردی بود که بر زخم‌های مردم نمک پاشیده است.

#### کشاورزی، همچنان مهم‌ترین دغدغه

روستای شاکریه در شهرستان دشت آزادگان به‌عنوان آخرین مقصد ما، از جمله روستاهایی است که ساکنان آن پس از فرونشستن سیل به منازل خود بازگشته‌اند اما نه همه. دیوار برخی منازل ریخته که از قضا یکی از آنها متعلق به خانواده‌ای بوده است که وضعیت مناسب مالی نداشته و در محل دیگری ساکن شده‌اند. خانه آنها خالی از سکنه است اما آجرها و سیمان‌های آب‌زده و سفت‌شده نشان می‌دهد منتظر بوده‌اند فرصتی فراهم شود تا بخشی از خانه خود را بازسازی کنند که سیل فرصت نداده است.

اهالی این روستا نیز مهم‌ترین مساله را زمین‌های کشاورزی‌ای می‌دانند که هنوز زیر آب است و زهکشی‌ها و جوی‌های آن آسیب خورده است و برای کشت تابستانه تنها تا ۱۵ خرداد مهلت دارند.

مردم می‌گویند سیل‌بند را به زور باز کردند تا سوسنگرد زیر آب نرود و به همین دلیل روستای ما را آب گرفت. البته درست می‌گویند؛

اولویت در مدیریت بحران سیل خوزستان، جلوگیری از غرق شدن شهرها بوده و این روستا نیز به دلیل تخریب عمدی بخشی از سیل بند رودخانه کرخه دچار آب گرفتگی شده است. به هر حال تخریب زیرساخت های شهری بسیار مصیبت بارتر از زیر آب رفتن زمین های کشاورزی بوده و در بحران گاهی انتخاب بین بد و بدتر است. روستاییان شاکریه، دام هم دارند که تلفات زیادی نداشته است اما دچار بیماری شده اند. در این روستا نیز سرکشی نهادهای مسئول برای تعیین میزان خسارت و کارشناسی امور توسط نهادهای ذی ربط صورت گرفته است که ظاهراً هنوز پرداخته نشده، در صورتی که در برخی از روستاهای اطراف به وعده ها عمل شده است.

برخی از اهالی روستا نیز نسبت به عملکرد دهیار شاکری هستند و می گویند در اهواز ساکن شده است. اما خارج از صحت این ایرادها، در اختلاف بین برخی مردم و دهیارهایشان رگه های طایفه ای و فامیل بازی وجود دارد.

اما دقت به محیط حقایقی را آشکار می کند که گاهی به زبان نمی آیند. کارتن های باقی مانده روی زمین نیز نشان می دهد بسته های امدادی به این روستا رسیده است که البته خیلی به آن اشاره نمی کنند و اگر هم اشاره کنند می گویند مگر با این اقلام مشکل ما حل می شود؟

روز اول بازدید از سه روستای سیل زده در حالی به پایان می رسد که فکر گرمای در چادر اهالی روستای آلبوعیدی، مغز را به نقطه جوش رسانده است اما شیطنت های دخترسیل همچنان مایه امید برای دل های مردم است.

انتهای پیام /